

بازسازی ستون‌های اعتماد اقتصاد ایران

دکتر احمد تشکینی، استادیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

جهان اقتصاد

بسیاری تحلیل‌گران خارجی و داخلی یکی از مهمترین دلایل وقوع بحران مالی (سال ۲۰۰۸) آمریکا که دامنه آن با فاصله زمانی کوتاهی به اروپا و آسیا کشیده شد را «بحران اعتماد» عنوان کرده‌اند. بانک‌های وام‌دهنده به مشتریان خود اعتماد می‌کنند و به آنها وام و اعتبار می‌دهند، شرکت‌های سرمایه‌گذاری نیز به بانک‌های تجاری اعتماد کرده و قراردادی را منعقد می‌کنند. اما از سال ۲۰۰۸ برخی دریافت‌کنندگان وام‌های مسکن در پرداخت اقساط خود ناتوان شدند و چون در این کشور تا ۹۰٪ قیمت مسکن را می‌توان از بانک‌ها وام گرفت هنگامیکه قیمت مسکن بیش از ده درصد تنزل کرد صاحبان بعضی منازل مسکونی ترجیح دادند که بانک، خانه‌های آنها را به تملک درآورد چون احساس می‌کردند قیمت مسکن کاهش می‌یابد و ارزش دارایی آنها کاسته می‌شود. بروز این بحران اعتماد همچون پرتاب سنگ‌ریزه از نوک قله پس از مدتی تبدیل به بهمنی عظیم شد که اقتصاد آمریکا و دیگر کشورها را درنوردید.

مراد و مقصود از ارایه تجربه بحران کشور آمریکا آن بود که اقتصاد تمامی کشورها بر پایه «ستون-های نامریی اعتماد» بنا شده است و لذا سست و لرزان شدن آن می‌تواند به بروز خسارات فراوان و حتی جبران ناپذیری منجر شود. طی سالهای اخیر بدنبال اعمال تحریم‌های بین‌المللی کشور ایران، نابسامانی‌های اقتصادی و نااطمینانی‌های فراوانی در فضای اقتصاد کلان ایران بوجود آمد. در پی این امر خلاء اعتماد بر فضای خرد و کلان اقتصاد کشور پدیدار شد و لذا نظم خودجوش اقتصاد بهم خورد. برخی از مهمترین عدم اعتمادها به شرح زیر است:

۱- عدم اعتماد عمومی به فضای اقتصاد کلان: تصویر روشنی از متغیرهای کلان اقتصادی همچون رشد اقتصادی، تورم، اشتغال و ... در بین فعالان اقتصادی بویژه سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان وجود ندارد.

۲- عدم اعتماد به سیاست‌های اقتصادی دولت: عدم اتخاذ سیاست مشخص به‌منظور بازگرداندن ثبات در بازارهای مختلف منجر به نااطمینانی و عدم اعتماد به سیاست‌های اقتصادی دولت شده است.

۳- عدم اعتماد به ایجاد ثبات در بازار ارز، طلا و سکه: اعمال تحریم‌های جدید، عدم اتخاذ سیاست مشخص در بازار ارز از سوی دولت و ... به ایجاد عدم اعتماد از سوی فعالان اقتصادی در ایجاد ثبات در بازار ارز منجر شده است.

بطور کلی می‌توان بیان داشت که ستون‌های نامرئی اقتصاد کشور (یعنی اعتماد فعالان اقتصادی) متزلزل گشته و لذا چارچوب‌ها و نظم منطقی حاکم بر اقتصاد نیز در حال از بین رفتن است. به‌عنوان مثال عدم اعتماد و تلاش در حفظ قدرت خرید پول منجر به روان شدن سیل عظیمی از منابع مالی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی در بازار ارز، طلا و سکه شده است. ایجاد چنین رفتارهایی خارج از نظم طبیعی اقتصاد که در اثر بروز بحران اعتماد بوجود آمده است در میان مدت تاثیرات مخرب عمیقی بر اقتصاد ایران برجای خواهد گذاشت. در این راستا اولویت اساسی سیاستگذاران تلاش در راستای ایجاد ثبات و بازگرداندن اعتماد به فعالان اقتصادی است.